

نشست صبا با عوامل نمایش مدرسه دلکها

مخاطب نمایش، کودک درور



نشست نمایش دلکها با حضور نیما

احمد محمد اسماعیلی

مظاہری نویسنده، بازیگر و کارگردان، هادی تسلیمی، شهرزاد سرخی، ریحانه

گفت و گو

ملارضا بازیگران و محمود ارباب مدیر رسانه‌ای نمایش در روزنامه صبا برگزار شد. یک جنگل و یک مدرسه بازیگری و آغاز چالش بین حیوانات جنگل برای حضور در این جشنواره بین مایه نمایش مدرسه دلکها است. این نمایش تا اواسط دی ماه در تماشاخانه شهرزاد برای علاقه‌مندان در حال اجراست. با عوامل مدرسه دلکها درباره شرایط اجرای این اثر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

از شکل‌گیری اجرای نمایش مدرسه دلکها بگوئید؟

نیما مظاہری: ایده اجرایی نمایش خیلی ناگهانی به وجود آمد. مسیر ایده تا اجرا از کارگاه آموزش بازیگری من کلید خورد. در این کارگاه چند ایده نمایشی داشتم که...

این کارگاه با اعضا گروه‌تان شکل گرفته و با هنرجویانی که برای آموزش مراجعه کرده‌اند؟

مظاہری: اجرای اول نمایش ما خروجی کارگاه آموزشی با حضور هنرجویان بود. در اجرای جدید شرایط تغییر پیدا کرده و بازیگران دارای تجربه شدند و چند بازیگر جدید هم به گروه اضافه شده‌اند و ما در این یک سال سه نوبت اجرا را برای روی صحنه رفتن آماده کردیم. در زیست یک ساله با بچه‌ها، مدرسه دلکها رشد کرد.

ایده اصلی نمایش چه بود؟

مظاہری: جنگلی وجود دارد و در آن مدرسه بازیگری با حضور حیوانات برگزار می‌شود. در اجرای این نمایش قصد ادای دین به استاد امیرج طهماسب را داشتم. فضای نمایش به سبک کاری ایرج طهماسب و مرضیه برومند نزدیک است. تلاش کردم اگر در فرمت جنگل و حیوانات حرفی مطرح می‌کنم آن شالنه به کسی برنخورد.

بیژن مفید هم در دهه پنجاه در چنین فضایی نمایش شهر قصه را خلق کرد...

مظاہری: بله، البته من هنوز شهر قصه را نخوانده‌ام که بخواهم از آن تأثیری بگیرم.

جایی خواندم ایده‌های از کارهای وس آندرسون هم گرفته‌اید...

مظاہری: وس آندرسون کارگردان مورد علاقه‌ام است. در فیلم‌های کوتا هم نیز ردپای این علاقه دیده می‌شود.

سویا بازیگری یکی از واینرهای سرشناس فضای مجازی با دنبال کنندگان میلیونی هستید. بازیگری در تئاتر برایتان چه ویژگی‌هایی دارد؟

شهرزاد سرخی: به بازیگری تئاتر علاقه خاصی داشتم و بعد که کارگردان پیشنهاد بازی در این نمایش را داد با کمال میل قبول کردم. در تئاتر تجربه‌ای نداشتم اما تلاش کردم در تمرینات به ویژگی‌های یک بازیگر تئاتر برسیم.

بازی در تئاتر تفاوت‌های بنیادین با قطعات نمایشی در فضای مجازی دارد؟

سرخی: خیلی متفاوت است. البته خانواده تئاتری دارم و پدرم از بازیگران قدیمی تئاتر اهواز است که استاد خوبی برای ورود من به این عرصه بودند.

یکی از ایده‌آل‌ترین سبک‌های کاری برای بازیگران سبک کاری کارگاهی است که می‌توانند نظرات و ایده‌های شان را به راحتی بیان کنند...

ریحانه ملارضا: در طول تمرینات یک ساله مدام در حال اتود زدن بودیم و کارگردان با نظارتش آنها را در مسیر درست هدایت می‌کرد و بارها یک صحنه در این پروسه تغییر پیدا می‌کرد تا بهترین حالت انتخاب شود.

روابط عمومی یکی از شغل‌هایی است که همیشه در سایه قرار دارد و زیاد دیده نمی‌شود...

ارباب: گرایش اصلی‌ام کارگردانی تئاتر بود و در این رشته تحصیل کرده‌ام. از اوایل دهه نود که روابط عمومی جزو ثابت اجرای یک نمایش شد وارد این عرصه کاری شدم. مدیر روابط عمومی باید با درک صحیح از پتانسیل‌های نمایش برای جلب نظر مخاطب هدف آن اجرا برنامه‌ریزی کند. تئاتر یک کار گروهی است و روابط عمومی و تلاش‌هایش هم در این رده بندی می‌گنجد.

نمایش مدرسه دلکها آیا در زائر کمدی - فانتزی قابل ارزیابی است؟

مظاہری: بله، جایی خواندم که برای نمایش از زائر کمدی - سورنال استفاده کرده‌اند...

به هر حال فضای کار سورنال با فانتزی قرابت‌هایی دارد...

مظاہری: بله، اما فانتزی المان‌هایی دارد که شکل و شمایل متفاوت‌تری به اثر می‌دهد.

سورنال واژه کلی‌تری نسبت به فانتزی است.

البته سورنال با توجه به ماهیتش خاص‌تر از زائر فانتزی است...

مظاہری: فانتزی ژانر مهم‌تری است و قبول دارم مخاطب عام بهتر با فضای فانتزی ارتباط برقرار می‌کند. کار فانتزی نشانه‌هایی دارد و من تلاش می‌کنم فیلم‌ها و اجراهایم را در فضای فانتزی انجام بدهم.

چه واکنش‌های مخاطبی که نمایش را می‌بینند و بعد از دیدن نمایش آن را اظهار می‌کنند برایتان مهم‌تر است؟

مظاہری: چند مخاطب بعد از خاتمه اجرا به من گفتند انگاری این موجودات حیوانات درون آدم‌ها هستند...

شر درون مدنظر است...

مظاہری: لزوماً بخش شر مدنظر نیست. به نظرم تکلیف حیوانات از برخی از انسان‌ها بیشتر روشن است. اگر گرگ، گرگ است برای تنازع بقا و رفع گرسنگی حیوانی را می‌کشد. اما انسان‌ها ممکن است برای جاه و مقام و حرص این نوع کارها را انجام بدهند. در حالی که لزومی به انجامش ندارند. خداوند هم برای حیوانات جایگاه مهمی قائل است و در قرآن نام چند سوره از میان حیوانات انتخاب شده است.

در اجرایتان خواستید در این باره تلنگری به مخاطب بزنید؟

مظاہری: بله، چنین قصدی داشتم.

این مسئله که همه مخاطبان متوجه این زیر متن‌ها بشوند بحث جدایی است...

ملارضا: کاراکتر لاک پشت که خود کارگردان نقشش را بازی می‌کند دیالوگی به این مضمون در نمایش دارد «جشنواره‌ای برگزار می‌شود شاید بخواهید به انسانیت نزدیک بشوید.» همه حیوانات ری

اکشن تعجب‌آمیزی بروز می‌دهند.

مظاہری: ما مسیر خلاف رسم رایج را برای آماده شدن اجرا انجام دادیم و در طول اجرای نمایش نشان می‌دهیم که حیوانات باید جشنواره انسان بودن را برگزار کنند.

آیا از ابتدا قرار بود نقش تنبل را بازی کنید؟

سرخی: در ابتدا نقش‌ها مشخص نبود. کارگردان در پروسه تمرینات نقش تنبل را به کار اضافه کرد و با پیشنهادات من نقش قوام پیدا کرد و شد یک تنبل پیش فعال.

درباره تکوین شخصیت تنبل در پروسه اجرایی نمایش توضیح بدهید؟

سرخی: نقش تنبل ویژگی‌های شخصیتی جنوبی دارد و یک جور لمین مآب است و چون بچه جنوب هستم به خوبی توانستم این ویژگی‌های بومی را به نقش الصاق کنم. نکته مهم درباره این شخصیت این است که برخلاف طبیعت آرام تنبل‌ها در طبیعت، تنبل نمایش ما بسیار اکتیو و فعال است.

شما هم درباره مختصات نقش آهو توضیح بدهید...

ملارضا: آهو شخصیتی بامزه، خوشحال و کمی خنگ دارد. جایی در نمایش برای آهو مسئله‌ای پیش می‌آید که به زندگی شخصی من هم گره خورده است. آهو برای این به مدرسه بازیگری آمده تا خودش را فراموش کند. بعد از اتفاقی که برایش رخ می‌دهد معصومیت کودکانه و شادیش از بین می‌رود.

در نمایش‌هایی که شخصیت‌ها حیوان هستند شیوه‌های گوناگونی برای پوشش بازیگران استفاده می‌شود...

مظاہری: به سمت استفاده از تن پوش و ماسک صورت حیوان برای بازیگران نرفتم. تمام کار را روی دوش خلاقیت بازیگران متمرکز کردم و خوشبختانه بچه‌ها با اتکا به تکنیک‌های بازیگری با کمترین گریم و